

کرگسان سیه کردار پاکستانی را خاموش کنید

در جریان همین هفته باز، یکی دیگر از کرگسان سیه دل و سیه کردار پاکستانی بنام (مولوی سراج الحق) رهبر جماعت اسلامی آن کشور و همکار نزدیک شبکه جاسوسی ارتش پاکستان، صدای کریه و خصمانه اش علیه افغانستان را بلند کرد.

این مولوی سیه اندیش پاکستانی، ضمن یک مصاحبه با یکی از خبر نگاران آن کشور، چنین گفت :

" همانطور که ما از جنگ مردم ویتنام در مقابل امریکا، از جنگ مردم فلسطین در مقابل اسرائیل، از جنگ مردم کشمیر در برابر هندوستان پشتیبانی بعمل آوردیم، از جنگ طالبان برای آزادی افغانستان هم پشتیبانی میکنیم "

این همان اظهارات دشمنانه و جاسوسانه نوع پاکستانی است که هر چند برای ما افغان ها تازه گی ندارد، ولی در واقع، خبث باطن و نیت چرگین ملاها، مفتی ها و مقام های تروریست نواز دولتی پاکستان در برابر مردم عذاب کشیده افغانستان را به وجه آشکار برملا میسازد.

سخنان سخیف مولوی مذکور در حالی بگوشها میرسد که از یکطرف اشرف غنی رییس جمهور افغانستان با سفرش به اسلام آباد و تلاشهای مذبحخانه اش به منظور جلب همکاری مقام های پاکستانی در جهت فراهم آوری زمینه صلح و امنیت در کشور را ادامه میدهد و از سوی دیگر، برخی از صلاحیت داران ملکی و نظامی پاکستان به شمول راحیل شریف رییس ارتش آن کشور، سفرهایی بکابل انجام داده و ظاهراً وعده همکاری با دولت افغانستان را بر زبان میرانند.

چند هفته قبل نیز ملای دیگر پاکستانی بنام فضل الرحمن، ضمن مسافرت اشرف غنی به اسلام آباد، با صراحت گفت که **جنگ و جهاد در افغانستان جواز است** و با دریغ که رییس جمهور ما نه تنها هیچ نوع واکنشی در برابر این ملای سیاه دل پاکستانی از خود تبارز نداد، بلکه حتا قرار بود این ملای دشمن کیش پاکستانی، در روزهای اخیر، در جمع یک هیأت رسمی آن کشور به کابل نیز حضور داشته باشد.

موضوع قابل مکث و مایه دلگرمی اینست که در جریان همین هفته، تعدادی از هموطنان مصمم، با احساس و وطنپرست ما در شهر باستانی کابل، به منظور نشان دادن واکنش به مورد سیاسی علیه سفر چنین یک دشمن سوگند خورده و شاید پاکستانی، دست به تظاهرات خیابانی زده قدم این ملای دغلباز به خاک پاک افغانستان را نحس و غیر منطقی خواندند.

باید افزود که دو رویی و دروغ‌گویی های جانبی پاکستان به تنهایی تاکنون دیده و شنیده نه شده است، بلکه گزارشها، تلاشها و تحرکات دیگری نیز در هفته های اخیر و در ارتباط تنگاتنگ با گروه تروریستی طالبان به چشم میخورد. مثلاً، امریکایی ها در این اواخر و در آستانه خروج نیروهای عمده آنها از افغانستان، اظهار داشتند که از آغاز سال 2015 میلادی، هیچ نوع اقدام جنگی و موضع دشمنانه با ملا عمر و گروه وی نخواهند داشت. همان چیزی که " جوبایدن " معاون رییس جمهور امریکا نیز تقریباً یکسال قبل ابراز نموده بود.

در عین حال، گزارشها حاکی از آن بودند که دفتر گروه طالبان در قطر، نه تنها گشوده و فعال است، بلکه نه بعنوان یک اتاق تماس و مذاکره، بلکه بعنوان یک سفارت رسمی موازی با سفارت دولت افغانستان فعال مایشا بوده و هیأت های گروه مذکور به مثابه دپلمات های رسمی و شناخته شده به کشورهای مختلف سفر هم میکنند. چنانکه گزارشها افشا کردند که هیأت آنها در روزهای اخیر به پیکنگ مرکز چین نیز مسافرت نموده تماس ها و معامله گری هایی میان آنها و کشور های منطقه در پشت پرده جریان دارد.

وقتی حملات وسیع و مسلحانه گروه طالبان پاکستانی و متحدان عربی و چینی آنها بالای منطقه دانگام مربوط ولایت کنر افغانستان را که از چندین روز به اینسو ادامه دارد و نیز، سفر حنیف اتمر مشاور عالی امنیت ملی اشرف غنی به تهران، تعلل درازمدت در تعیین اعضای کابینه، حملات متعدد تروریستی در کابل و نقاط مختلف کشور و بالاخره سکوت مرگبار دولت کابل در برابر اظهارات بسیار دشمنانه و تحریک آمیز ملا های سیه اندیش پاکستانی و جنرالان آی.اس. آی و صوبه داران شیطان صفت آن کشور را مدنظر گیریم، ناچار به این نتیجه می رسیم که دسیسه ها و تباری های خطرناکی در عقب در های بسته علیه آرزوهای مردم افغانستان در جریان خواهد بود. بخصوص، وقتی اشرف غنی گفت که همه روزه با حامد کرزی دیدار میکند و از وی مشوره میخواهد، دلهره و نگرانی های مردم افغانستان بیشتر شد؛ زیرا کرزی با خصلت ارتجاعی، قبیله پی طالب دوستانه و معامله گرانه اش، ظرف سیزده سال تمام، امتحان خوبی برای مردم ما نداده است. پس، نکته ی مهمی که موجب تشویش و نگرانی مردم را فراهم آورده است، اینست که چرا کرزی حتا در پایان مسوولیت های دولتی اش، هنوز هم در یکی از کاخ های محوطه ارگ جمهوری بسر میبرد؟ چرا هنوز هم دارای دفتر و دیوان و کارمند و شأن و شوکت خاص است؟ چرا و بعنوان چه کسی به سفرهای خارجی می پردازد و از سوی کی سخن میگوید؟ هرگاه حامد کرزی دلسوزی و درایت کافی در حق سرنوشت مردم افغانستان میداشت و از استقلال فکری و سیاسی بر خورد دار می بود، میتواند در سالهای زعامت خودش، مصدر خدمات بهتر میشد. حال معلوم نیست اشرف غنی چرا او را در واقع، بحیث رییس جمهور غیر رسمی در کنار خویش نگهداشته است؟

در مورد یاوه سرایی زاغان سیه کردار مذهبی و تروریستی پاکستان مانند ملافضل الرحمن ها، " علامه طاهری " ها و جنرالان عقده مند آن کشور مانند جنرال پرویزها، جنرال حمید گل ها و امثالهم باید گفت که هرگاه حکومت مداران (ملکی و نظامی) پاکستان پیرامون همکاری با افغانستان غرض تأمین صلح سراسری ریا ندارند و دروغ نمیگویند، باید حتماً دهن کثیف یاوه سرایان مذهبی و استخباراتی شان را ببندند و محمد اشرف غنی رهبر " دولت وحدت ملی " افغانستان نیز هرگاه در برابر مردم افغانستان

صادق است و حقیقتاً دلش بحالِ اتباعِ این کشور میسوزد، باید از مجرای دیپلماتیک داخل اقدامِ جدی شده موضوع را به مقام های پاکستانی گوشزد نماید و با نشان دادنِ واکنشِ صریح و جدی، ثابت نماید که نسبت به رییس جمهور پیشین صادق تر، با درایت تر و مردمی تر است، در غیر آن، همان نام و نشان درشت و ننگین تاریخی را که خلفش کمایی کرد، ایشان نیز هرچه زودتر حاصل خواهد نمود. (پایان)